

کنگاشی در مفهوم بردگی در اسلام با توجه به مقتضیات جهان معاصر

دکتر حسین مهرپور^۱، کلثوم رحمن زاده^۲

چکیده

برده داری و استفاده از بردگان در تمامی تمدنهای باستانی رایج بوده است و در نوشته های اولیه سومریان، بابلیان و مصری ها شرح آن آمده است. اطلاعات در مورد بردگان در جوامع اولیه به طور عمده به وضعیت حقوقی آنها مربوط می شود، که اساساً بعنوان یک شی و کالا، بخشی از اموال مالک خود محسوب می شدند. اسلام اولین و تنها دینی است که آزادی بردگان را به عنوان فضیلت و شرط ایمان واقعی به خدا تعیین کرده است. بطوری که قرآن یک رویکرد بشردوستانه را برای برده داری تجویز می کند که طبق آن هیچ انسان آزادی نباید برده دیگری شود و کسانی از کفار که به دین اسلام تعدی نمی ورزیدند؛ تحت حفاظت حکومت اسلامی قرار می گرفتند. اما ظهور گروههایی چون بوکوحرام و داعش، و توجیهات دینی آنها برای احیای برده داری سنتی، مناطق مسلمان نشین را دچار بحران کرده است به طوری که در سپتامبر ۲۰۱۴، بیش از صدو بیست دانشمند اسلامی از سراسر جهان، نامه ای سرگشاده خطاب به رهبران داعش و بوکوحرام منتشر کردند و در آن خاطر نشان ساختند که بازگرداندن برده داری؛ خلاف دین اسلام است. در این تحقیق با استفاده از اسناد و منابع معتبر کتابخانه ای، به بررسی و تحلیل تفاوتها و شباهتهای برده داری سنتی، با احکام اسرای کفار حربی در صدر اسلام، برای پی بردن به این حقیقت که؛ رعایت حقوق انسانی و نیز دستورات قرآنی و اخلاقی، و راهکارهای اجراشده برای آزاد سازی تدریجی بردگان در صدر اسلام، دلیل بر مخالفت اسلام با نظام برده داری بوده است، خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: برده داری در اسلام، کفار حربی، دستورات قرآنی، آزادی بردگان

^۱ استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران (نویسنده مسئول) H_Mehrpour@sbu.ac.ir

^۲ دانشجوی ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی تهران f.soshiant83@gmail.com

مقدمه

واژه بردگی در لغت نامه دهخدا به معنای اسیری، غلامی و بندگی آمده است.^۱ همچنین بردگی به مفهوم دارایی و همچون یک کالا در تملک انسان دیگری بودن، معنا شده است.^۲ در اسلام برده؛ به کافر حربی (غیرمسلمان متجاوز) گفته می شود که در جنگ با مسلمانها به اسارت در آمده و بنا به صلاح دید حاکم، به عنوان شهروند درجه دوم وارد جامعه می شدند. هر چند تاریخ دقیق آغاز بردگی در جوامع انسانی کاملاً معلوم نیست، لکن چون انسانها در حیات اجتماعی خود، همواره در معرض جنگ بوده اند، بردگی سابقه ای به درازای تاریخ و همزمان با تشکیل ملتها و ایجاد دولتها داشته است. بنا به نوشته دایرة المعارف بریتانیا، بردگی را تا تاریخ هشتم پیش از میلاد می توان دنبال کرد.^۳ بردگی ابتدا در مصر باستان، بابل، آشور و چین و هندوستان پدیدار گشت و سپس در یونان و روم باستان به شکل کلاسیک خود تکامل حاصل نمود. در زمان افلاطون و سقراط، تئوری برده داری طبیعی که مطابق آن بعضی انسانها ذاتاً برده دنیا می آیند، توسط یونانی ها پذیرفته شد. سپس رومیها، نهاد برده داری را از یونانی ها و فنلاندها به ارث بردند. در امپراتوری روم، احتمالاً بیش از بیست و پنج درصد جمعیت را بردگان تشکیل می دادند. با فروپاشی امپراتوری رم، نظام برده داری سنتی در اروپا بتدریج ناپدید شد و از قرن هجدهم، افکار عمومی اروپا، شروع به مقابله با آن کرد. دانمارک اولین کشور اروپایی بود که در سال ۱۷۹۲، برده داری سنتی را ممنوع اعلام کرد. همچنین در اوائل قرن نوزدهم بریتانیا و ایالات متحده آمریکا؛ تجارت برده را غیر قانونی اعلام کردند، کشورهای سوئد در سال ۱۸۱۳، هلند در سال ۱۸۱۴، فرانسه در سال ۱۸۱۵ و اسپانیا در سال ۱۸۲۰ نیز برده داری را لغو کردند.^۴

^۱ دهخدا، علی اکبر؛ فرهنگ لغت دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

^۲ www.oxforddictionaries.com

- کلمه برده یا slave از اسلاوندی مشتق شده است، زیرا بسیاری از اسلاوها در قرون وسطی به بردگی درآمدند.

^۳ گرامی، محمدعلی؛ نگاهی به بردگی، ناشر: دفتر آیه الله العظمی گرامی، ۱۳۸۵، ص ۳۵.

^۴ <http://www.brychancarey.com>

برده داری در آفریقا رخداد جدیدی نبود و از قرن هفتم تا قرن نوزدهم، آفریقایی ها، دیگر آفریقائیان را به عنوان برده به اعراب می فروختند. در همین حال از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم، دزدان دریایی شمال آفریقا، اروپایی ها را در دریای مدیترانه اسیر می کردند و آنها را برده می ساختند. برده داری در کشورهای آسیایی نیز وجود داشت؛ در چین و کره، برده داری از زمان باستان تا قرن بیستم وجود داشته است. هم چنین در هند، ژاپن، تایلند، برمه و مالزی نظام برده داری وجود داشته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده چهار خود؛ برده داری و تجارت برده در تمام اشکال آن را ممنوع اعلام می کند. در قرن بیستم تمامی کشورهای جهان، نظام سنتی برده داری را لغو کرده اند. موریتانی در سال ۱۹۸۱ آخرین کشور در این رابطه است. هر چند، امروزه برده داری بشکل سنتی در تمام جهان ملغی شده است اما برده داری در قالبی مدرن، به حیات خود ادامه می دهد و در بسیاری از نقاط جهان، مردم هنوز مجبور به کار اجباری هستند و یا قاچاق انسان از یک منطقه یا کشور، به کشوری دیگر ادامه دارد.^۱

این تغییرات و واقعیت‌های دنیای مدرن، تکامل قابل ملاحظه ای در اندیشه مسلمانان، قبل از پایان قرن نوزدهم ایجاد کرد. براساس نظریه تأثیرگذار امیر علی، اسلام تنها براساس ضرورت موقت، و آمیختگی آن با نظام اقتصادی و اجتماعی مردم، برده داری را تحمل کرد و به لغو کامل آن اقدام نکرده است، زیرا برده داری یک ساختار جهانی بود که در زندگی مردم آن روزگار ریشه دوانده بود و انحلال یک روزه آن در قلمرو وسیع حکومت اسلام، انبوه مسائلی را که حل آنها کاملاً غیرممکن بود؛ بدنبال داشت. با این وجود برخی از علمای شیعه همچون آیت الله مصباح یزدی، و نیز برخی از محققان اسلامی محافظه کار سلفی، معتقدند که برده داری همچنان بخشی از جهاد در اسلام است و از بین نرفته است.

مطالعات در این زمینه به فراخور مقتضیات وجود داشته است، اما در این مطالعه، از زاویه دیگر؛ با بررسی تفاوتها و شباهتهای موجود میان برده داری سنتی و احکام اسلام در مورد

^۱ <http://www.localhistories.org>

اسرای کفار حربی، و نیز دستورات قرآنی و اخلاقی دین اسلام در مورد رفتار با بردگان بجا مانده پیش از ظهور اسلام، به موضوع برده داری پرداخته می شود تا روشن شود که آیا احکام و برنامه های زمانمند صدر اسلام، در جهت تثبیت برده داری برای همه زمانها بوده است، یا برای آماده سازی جامعه در جهت لغو کامل آن و برقراری برابری و آزادی برای همه انسانها بوده است.

۱- برده داری در عربستان

ابتدا باید اشاره کرد که؛ برده داری در قوانین و شرایع پیش از اسلام مانند قانون حمورابی، مانو، یهود، مسیحیت و جز اینها به رسمیت شناخته شده است و دستورات و احکامی در مورد بردگان در قوانین آنها صادر شده است. احکام برده داری نه تنها در عهد عتیق، بلکه در عهد جدید نیز آمده است. بعنوان مثال در این دوره از غلامان خواسته می شود که با ترس و لرز از اربابان خود اطاعت کنند.^۱ در عربستان، پیش از ظهور اسلام سیستم اعتقادی غالب، بر پایه باور به خدایان و دیگر موجودات فراطبیعی استوار است. همچنین ستاره پرستی، یهودیت، مسیحیت و ادیان ایرانی چون زرتشت در این منطقه وجود داشته است. در بخشهای تمدن عربستان، به ویژه جنوب آن که خاستگاه تمدن های کهن بوده، نظام برده داری از سوی حاکمان اجرا می شده است. علاوه بر این، مجاورت عربستان با حکومت ایران و روم که از دولت های برده دار آن دوره بودند و هم چنین سکونت قبایل یهودی و مسیحی در عربستان که برده داری از اصول فرهنگی اجتماعی آن ها بود، در آشنایی مردم عرب با برده داری بی تأثیر نبوده است.^۲ لذا اسلام با دو مرحله وجود برده داری؛ یعنی برده داری در زمان جاهلیت و برده داری در زمان بعثت پیامبر اسلام مواجه بوده است:

^۱ ویلیام گلن، هنری مرتن؛ کتاب مقدس عهدعتیق و عهدجدید، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.

^۲ ابوزیدآبادی، عبدالرضا؛ بردگان از جاهلیت تا اسلام، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سوم، ش چهارم، زمستان ۱۳۸۵.



۱-۱- برده داری در عربستان پیش از ظهور اسلام

یکی از ویژگی‌های برجسته زندگی سیاسی عربستان قبل از اسلام، عدم وجود سازمان سیاسی در هر شکل آن بود. به استثنای یمن، در هیچ بخشی از شبه جزیره عربستان، دولت وجود نداشت و اعراب هرگز قدرت دیگری را جز قدرت ارباب قبایل خود، نمی پذیرفتند. همچنین، عربستان یک جامعه تحت سلطه مردان بود و زنان به جز یک ابزار جنسی، هیچ وضعیت حقوقی و انسانی نداشتند. تعداد زنان یک مرد محدودیتی نداشت و هنگامی که کسی می مرد، پسرش تمام زنان پدر خود بجز مادرش را به ارث می برد. جنگ یک نهاد دائمی در جامعه آنارشیست عرب بود و بردگی نهاد اقتصادی آن محسوب می شد. برده های مرد و زن، مانند حیوانات، خرید و فروش می شدند.^۱

همانند سایر اقوام بشری، در این دوره؛ برده گیری بجز جنگ، از راه ربودن و گرفتن افراد برای استفاده از نیروی کار آنان، برده شدن کودکان متولد شده از بردگان و یا خرید کودکان از والدین بدلالی چون فقر و بدهکاری رواج داشت. همچنین در این دوران، برده داران کنیزان خود را به روسپی گری وا داشته و مزدش را برای خود می گرفتند.^۲

در آستانه ظهور اسلام، بجز بت پرستان و یهودیان، ستاره پرستان و دیگر ادیان مختلف، گروه کوچکی از موحدان^۳ که پیرو حضرت ابراهیم بودند، در عربستان زندگی می کردند. اعضای خانواده پیامبر اسلام و بیشتر اعضای قبیله اش - بنی هاشم - متعلق به این گروه هستند. بعثت پیامبر اسلام از میان این گروه، و تبلیغ دین برابری و برادری، ممنوعیت تمامی راههای برده داری در سرزمینهای اسلامی و من جمله عربستان را باعث شد و بجز اسرای کفار حربی و کودکان متولد شده از بردگان، تمامی راههای دیگر آن ملغی گردید.

^۱ <https://www.al-islam.org> .

^۲ طبری، ابن جریر؛ تفسیر طبری، جلد ۹ .

^۳ Monotheists.

۲-۱- برده داری در عربستان بعد از ظهور اسلام

در عصر بعثت پیامبر اسلام، با وجود ممنوعیت بردگی، به دلیل راههای فراوانی که از دوره قبل برای برده گیری رایج بود؛ بخش بزرگی از بردگان در جامعه حضور داشتند که خود باعث می شد دین نوپای اسلام نتواند با این مساله پیچیده و اجتماعی به شکلی ضربتی و انقلابی برخورد نماید. اما دین اسلام به عنوان دینی که برای آزادی و سعادت همه بشریت آمده بود، بردگی ذاتی انسانها را رد کرد و آنان را در مرتبه انسانی با دیگر افراد قرار داد، و بردگی انسان برای انسان را، ملغی کرد.

بجز حضور بردگان دوره قبل از اسلام، در اوایل ظهور اسلام، ورود برده های جدید، به دلیل فتوحات سریع و گسترش اسلام بسیار بالا بود، اما از آنجا که مرزهای قلمرو اسلام به تدریج تثبیت شد، این ورود کاهش یافت، و اسرای جنگهای بعدی بین مسلمانان و مسیحیان مبادله شدند و به تدریج رو به پایان نهاد. با این وجود برای برچیدن بردگی که با تار و پود اجتماع آن روز در هم تنیده شده بود، اقدامات زمانمند و تدریجی لازم بود تا قوانین انسانی برای رعایت حقوق بردگان حاضر در جامعه اسلامی، برای آزاد سازی آنان در جامعه نهادینه شود و مردم و بردگان را برای این تحول مهم اجتماعی و لغو کامل بردگی، آماده سازد.

نظر به اهمیت این موضوع در دین اسلام، در باره بردگان در حداقل بیست و نه آیه قرآنی دستوراتی آمده است، که بیشتر آنها در رابطه با آزادسازی بردگان و احکام و محدودیتهای روابط جنسی با بردگان است. برنارد لوئیس^۱ در این رابطه می گوید: "احکام قرآنی دو تغییر عمده را در برده داری به وجود آورد؛ توصیه به آزادسازی بردگان و دوم؛ ممنوعیت بردگی افراد آزاد". همچنین از آنجا بر اساس اصول دین اسلام، انسان بنده هیچ کس غیر از خداوند قادر نیست، لذا عادت به استفاده از الفاظ بنده و کنیز مورد نکوهش قرار گرفت و به مسلمانان توصیه شد که بردگان و کنیزان را با لفظ پسر،^۲ و دختر^۳ بخوانند. دستورات

^۱ Bernard Lewis 1916،

^۲ Fatah.

^۳ Fatat.

اخلاقی برای حفظ جان بردگان و توصیه به رعایت حقوق انسانی آنها چون منع شکنجه آنان، و نیز پذیرش بردگان همچون اعضای خانواده در این دوران، چهره سنتی نظام برده داری در عربستان و سرزمینهای اسلامی را تغییر داد و ندای برابری، کرامت ذاتی و منزلت یکسان انسانها را، قرن‌ها پیش از تصویب قوانین بشری، به گوش جهانیان رسانید.

۲- برنامه اسلام در برخورد با نظام برده داری

مطابق آیات قرآنی، برده دیگری شدن به شدت نهی و برخلاف شأن و کرامت انسان قلمداد شده است: *وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّنَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكَفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؟* (خداوند) به شما فرمان نمی‌دهد که فرشتگان و انبیا را ارباب خود قرار دهید، آیا ممکن است، پس از آنکه تسلیم خدا شدید، او شما را به کفر فرمان دهد؟^۱

تأکید بر آزادی و استقلال شخصیت، و نفی هر نوع روابط بندگی و ارباب رعیتی، میان انسانها یک آموزه و سفارش دینی در اسلام محسوب می‌شود و هیچ یک از اصول و ارزش های دین اسلام، بردگی را تأیید نمی‌کند. خداوند در سوره بلد آیه سیزده، از مردم می‌خواهد که بردگان را آزاد کنند: *فَكَوْ رَقَبَةً*. قرآن در آیات متعدد دیگری نیز من جمله؛ سوره مجادله، سوره مائده، و سوره نساء مسلمانان را به آزادسازی بردگان سفارش می‌کند.

از دستاوردهای دوران اولیه ظهور اسلام؛ تحت حمایت قرار گرفتن اسرا و بردگان جنگی بود.^۲ پذیرش آنان در جامعه بجای کشتن دشمنان، اولین قدم در این باره است. همچنین آزادی عمل مالکان در شکنجه، بیگاری و روابط جنسی با آنها، تحت دستورات و قوانین دین اسلام؛ ممنوع و محدود گردید و در عوض راههای مختلفی برای آزادسازی آنها، از جمله؛ آزادی در برابر سواد آموزی به مسلمانان و یا گرفتن فدیة برای آزادی؛ و یا آزاد کردن آنها بدون هیچ عوضی، به مسلمانان توصیه شد. از طرف دیگر، برنامه‌ها و راهکارهای ویژه ای برای آزادسازی تدریجی بردگان بجا مانده از دوران جاهلیت نیز از ابتکارات مهم

^۱ سوره آل عمران، آیه ۸۰

^۲ Ira M. Lapidus، A History of Islamic Societies، Cambridge University Press، 2014.

دوران صدر اسلام است. لذا دین اسلام بجز توصیه به نیکی و رعایت حقوق انسانی بردگان، به اقداماتی عملی و دستوراتی قانونی، برای اعطای دوباره آزادی به این دو گروه از بردگان حاضر در جامعه اسلامی پرداخته است که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

۲-۱ - مبارزه با ورود افراد جدید به حوزه بردگی

همانطور که اشاره شد، اسلام برای ریشه کنی رسم برده داری، به مقابله عملی برخاست و برای این مبارزه، مساله را به دو بخش بردگان موجود در جامعه و بردگانی که ممکن بود به جامعه افزوده شوند، تقسیم کرد. مساله ضروری در این میان، بستن مسیر شکل گیری و توسعه این پدیده، یعنی راه ورود افراد جدید به حوزه بردگی است. بنابراین اسلام راههای معمول برده گیری در آن زمان را مسدود کرد و تمامی آنها را مخالف دستورات دین اسلام اعلام نمود. پیامبر در این باره فرمودند: "شَرَّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ" بدترین مردم کسی است که انسان ها را بفروشد.^۱

به علاوه، از نظر فرهنگی هم با دوام و بقای این امر مقابله نمود و به انواع گوناگون سعی در محدود نمودن آن نمود. به این صورت که بسیاری از این افراد با دادن فدیة و یا با تعلیم خواندن و نوشتن به مسلمانان، آزادی خود را به دست می آوردند. در نتیجه با این تمهیدات، اکثر بردگان و کنیزان باقیمانده در جامعه، گروه اول یعنی برده زادگان و یاکسانی بودند که توسط دلالان و تجار برده از مناطق آفریقایی و مانند آن اسیر می شدند و در مناطق مختلف دنیا به فروش می رسیدند:

^۱ کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، حسین استاد ولی، ناشر: دارالتقلین، ۱۳۹۵.



۲-۲- طرح آزادسازی تدریجی بردگان باقیمانده از دوره جاهلیت

اندیشمندانی مانند شارل دو منتسکیو^۱ و گوستاولوبون^۲ آزادی دفعی بردگان را خطرآفرین می‌دانند؛ منتسکیو معتقد است که آزاد کردن عده بیشماری از غلامان به وسیله وضع یک قانون مخصوص، صلاح نیست زیرا موجب اختلال نظم اقتصادی جامعه می‌گردد و حتی معایب اجتماعی و سیاسی دارد.^۳ گوستاولوبون نیز در این رابطه می‌نویسد: از آنجایی که بردگان از دیر زمان، تحت رقیت زیسته‌اند در اثر زندگی طفیلی خود، بی تجربه و بی استعداد بار آمده‌اند.^۴ اسلام نیز با در نظر داشتن چنین معایبی، برای آزادی بردگان طرح بسیار دقیق و زمان بندی شده ای ارائه کرده است تا این گروه به تدریج آزاد شده و جذب جامعه گردند، و جان خود و امنیت جامعه را به خطر نیندازند. لذا اسلام برای پیاده کردن این طرح؛ راهکارهایی را مقرر می‌کند: با تحریم قمار و حرام نمودن خرید و فروش اموال دزدی و وضع قوانین خاص در مورد بدهکاران ورشکسته، تمام این اقسام برده گیری از این طرق را برانداخت. برای آزادی تدریجی بردگان موجود در جامعه نیز راهکارهایی را قرار داد از جمله: اهتمام به مساله ازدواج بردگان، نهی از واداشتن کنیزان به فحشا، زمینه سازی برای آزادی بردگان، کمک مالی به بردگان برای استقلال مالی بعد آزادی، و تخفیف در مجازات آنها را می‌توان نام برد. برخی موارد خاص نیز مانند؛ ابتلای به کوری، ابتلای به جذام، زمین گیر شدن (اقعاد)، و موت مودت عبد، به صورت الزامی و قهری موجب آزادی بردگان می‌گشت.^۵

^۱ Charles de Montesquieu

^۲ Gustave Le Bon

^۳ منتسکیو؛ روح القوانین، علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳.

^۴ گوستاولوبون، تمدن اسلام و غرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: انتشارات اسلامی.

^۵ عاملی، زین الدین جبعی، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ایران: دارالهادی، ج ۶.

۲-۳- مقررات اختیاری برای آزادی بردگان

در قوانین اسلامی مقررات اختیاری وجود دارد که در آن منافع برده در جهت آزادی، مورد لحاظ قرار گرفته است که به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۲-۳-۱- کتابت (مکاتبه)

مکاتبه عبارت است از عقدی که میان مولی و عبد به منظور آزادی عبد در مقابل پرداخت عوض در زمان معین، انجام می‌پذیرد که در قرآن کریم نیز به این عقد توصیه شده است: فکاتبوهم ان علمتم فیهم خیرا: اگر در بردگان، نیکی مشاهده کردید با آنان عقد مکاتبه منعقد کنید.^۱

۲-۳-۲- تدبیر

یعنی مولی آزادی عبد خود را بر فوت خود یا فوت زوج مملوکه و یا فوت مخدوم عبد یا امه، معلق کند.

۲-۳-۳- استیلا

یعنی کنیزی که از طریق ملک یمین (نه از طریق زوجیت) باردار شده باشد اگر مولی قبل از ام ولد بمیرد و در خصوص خرید این ام ولد، بدهکار هم نباشد یا بدهکار باشد ولی ترکه او جوابگوی بدهی او باشد این کنیز از سهم الارث فرزند حرش که به دنیا آمده یا در رحم است، آزاد می‌شود.^۲

علاوه بر احکام یاد شده، احکام بسیار دیگری نیز در فقه اسلامی برای حمایت از حقوق برده وضع شده که برخی جنبه توصیه و استحباب و بیش تر آنها جنبه الزامی داشته‌اند، مانند

^۱ سوره نو، آیه ۱۳۳.

^۲ نجفی، محمد حسن؛ جواهرالکلام، ج ۳۴.

کراهت یا حرمت جداسازی برده از خویشاوند نزدیک نسبی او مانند فرزند در هنگام انتقال مالکیت و جوب پرداخت نفقه برده از سوی مولی؛^۱ وجوب اعفاف و تزویج برده چه زن و چه مرد؛ منع تکلیف برده به کاری که خارج از توان اوست^۲ و موارد دیگر.

۳- اسارت در اسلام؛ تفاوتها و تشابهات با نظام برده داری سنتی

اسارت در لغت به معنای محکم بستن چیزی با قید و طناب است^۳ و اسیر را از آن جهت که او را با طناب می بستند؛ اسیر نامیده‌اند. سپس این مفهوم به هر کس که در بند یا حبس درمی آمد، هر چند با چیزی بسته نشده باشد، توسعه یافته است. اما در اصطلاح فقه اسیر به مردان و زنان کافری اطلاق می شد که در جنگ با مسلمانان دستگیر می شدند.^۴ بنابراین اسیران جنگی بمعنای عام همه کسانی که در جنگ دستگیر می شدند را شامل می شد. در دائره المعارف قرن بیستم نیز این معنی آمده است و عملاً در نظامهای جنگی سابق همین مفهوم عام از اسارت بدست می آمد.

محمد فرید وجدی در اثرش دائره المعارف قرن بیستم می نویسد: اسیر در نزد اقوام و ملت‌های وحشی از هیچ نوع رحمت و شفقتی برخوردار نبود و مستحق هرگونه عذاب و شکنجه بوده است، گوئی اسیر فقط برای انتقام جوئی خلق شده او را تا سرحد مرگ چوب می زدند و با روغن داغ و آهن گداخته و مثله کردن، به سیخ کشیدن و سوزاندن و به دار آویختن شکنجه می کردند. وی می افزاید: اسیر در نزد یونانیان و رومیان از هیچ نوع حقوقی انسانی برخوردار نبود و همانند حیوانات از آنان بار و کار کشیده می شد و اگر کشته می شد هیچکس مطالبه خون او را نمی کرد. بطور کلی در دوران باستان و قرون وسطی، اسیر جنگی

^۱ ابراهیم بن علی ابواسحاق شیرازی، المهذب فی فقه الامام الشافعی، ج ۲، بیروت ۱۹۵۹.

^۲ عبدالله بن احمد، المغنی، ج ۹، بیروت ۱۹۸۳.

^۳ اصفهانی، راغب، مفردات فی غریب القرآن، وابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر لطباعه والنشر و التوزیع، ج ۱.

^۴ لفقہ الاسلامی، ج ۸، ص ۵۹۱.

معنی و مفهوم امروزی را نداشت و در بسیاری از موارد در عربستان قبل از اسلام، اسیر جنگی را از دم تیغ می گذرانند. تنها در پایان قرن هفدهم یعنی پس از جنگ سی ساله مذهبی در اروپا بود که تعریف اسیر جنگی از نظر حقوقی مشخص شد.^۱

بطور کلی در طول تاریخ پیش از اسلام، اسارتها با اهداف و انگیزه‌های مختلفی توأم بوده است که می‌توانیم آنها را در موارد زیر خلاصه کنیم: برای ایجاد رعب و سرکوبی دشمن و مسلط شدن بر آنان، بعنوان گروگان و داشتن حربه و برگ برنده در برابر دشمن و یا مبادله با اسیران خودی که در دست دشمن گرفتار می شدند، برای بهره‌گیری و استفاده از نیروی کار آنان، برای اطفاء غریزه جنسی مخصوصا در رابطه با اسارت زنان، برای فروش و تجارت و کسب سود و درآمد، برای تفنن و بصرف خوی اشرافی گری طبقاتی بالای اجتماعی. اما پس از هجرت پیامبر و گسترش دعوت به اسلام، جنگهای مسلمانان با کفاری که مانع نشر عقیده توحید می شدند، رخ داده است. در حقیقت چون مسلمانان تجمعی پیدا کرده و نیرویی فراهم آورده بودند، دیگر نمی‌بایست در برابر فشار و ظلم مشرکین سکوت می کردند، بلکه باید از خود و حقوق مشروع خود به دفاع برمی‌خاستند و موانع ایجاد شده بر سر راه گسترش آرمان حق و دین توحید را از میان برمی‌داشتند.^۲ بطور کلی جنگ در اسلام فقط در موارد ضروری که راهی جز جنگ نبود و یا مشرکین مبادرت به حمله یا اقدامات خصمانه علیه مسلمانان می کردند، صورت می‌گرفت و مبادله با اسرای خودی، یا جلوگیری از خونریزی یا تقلیل نیروهای دشمن، که در مواردی رخ میداد؛ هدف اصلی جنگ در صدر اسلام نبوده است.

^۱ ضیایی بیگدلی، محمد رضا؛ حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی ایران، ش ۸، ۱۳۶۶.

^۲ مهرپور، حسین؛ دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان، تهران: نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۷، ۱۳۷۰.



۳-۱- حقوق اسیران در اسلام

سیر مطالعه در تاریخ جنگ که اساسا تمام دوران زندگی بشر را پوشش می دهد، تغییر نگرش نسبت به مبارزان دشمن که اسیر می شده اند را نشان می دهد. در خشونت بارتین دورانها، رزمندگان دشمن در حین و حتی بعد از اتمام جنگ، کشته می شدند. با این حال، در اکثر دوران تاریخ، رزمندگان طرف مقابل و در مواردی نیز غیر نظامیان آنها از زنان و کودکان، اسیر و نگهداری شده و یا به عنوان برده فروخته می شدند. در حالی که در عربستان پیش از اسلام، اسرای جنگی از کمترین حقوق انسانی بی بهره بودند و در اکثر جنگها آنان را قتل عام می کردند، ظهور اسلام و آیین رهایی بخش آن، وضعیت اسفبار بردگان در قلمروی اسلامی را دچار تغییرات چشمگیری کرد. جان دایون پورت^۱ محقق و پژوهشگر انگلیسی می نویسد: "وقتی که صلاح الدین بار دوم، شهر بیت المقدس را گرفت، حتی یکنفر را نکشت و حد اکثر ترحم را نسبت به اسیران مسیحی ابراز کرد."^۲

اسلام ابتدا مسئله گرفتن اسیران را به دوره جنگ محدود کرد. اعدام اسرای کفار جز با رای حاکم اسلامی و در موارد استثنایی صورت نمی گرفت. اسیران کفار حربی که در جنگهای صدر اسلام به اسارت در می آمدند، تحت حمایت قوانین و دستورات اسلامی از حقوق انسانی برخوردار بودند؛ یک اسیر جنگی حق داشت که در مذهبش باقی بماند و مجبور به پذیرش دین اسلام نبود. او باید فقط به اسلام دعوت شود بدون آن که تحت فشار قرار گیرد. سوره انفال آیه هفتاد به این مورد اشاره کرده است. همچنین در سوره انسان، آیات هشت و نه، به حق تغذیه اسرای در بند اشاره شده است. علاوه یک اسیر حق داشتن لباس مناسب با شأن و منزلت و وضعیت اجتماعی اش، را دارا بوده است. اسیر حق بر مسکن مناسب داشت؛ در طول حیات پیامبر (ص) هیچ زندان رسمی ساخته نشد. گاهی اوقات یک اسیر در مسجد نگهداری می شد و گاهی اوقات در بین مسلمانان برای نگهداری در خانه هایشان توزیع می شدند. اسیران جنگی هرگز توسط مسلمانان در نسل های اولیه مسلمانان

^۱ John Davenport.

^۲ دایون پورت، جان؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، سیدغلام رضا سعیدی، تهران: دارالتبلیغ اسلامی .

مجازات نمی شدند زیرا مطابق رفتار پیامبر هیچ گونه سوء استفاده یا شکنجه در مورد اسرا، اعمال نمی شد، مگر در یک مورد استثنا با رعایت موازین انسانی و آن پنهان کردن اطلاعات مهم و یا دزدی بوده است. همچنین ازدواج با اسیران زن را آزاد کرد تا به آنها امید زنده ماندن و جلوگیری از روسپیگری داده شود.

باید اشاره کرد که؛ ادغام و نگهداری اسیران در جامعه در اکثر موارد، یک راه اضطراری بوده است که اسلام ناگزیر آن را عملی ساخته است آن هم نه به عنوان تنها راه بلکه یکی از راههایی که اگر آزادی و عفو بدون غرامت، یا آزادی با غرامت جنگی یعنی فدیة و مبادله امکان نداشت، امام و حاکم اسلامی می توانست به این اقدام دست بزند. دستورات قرآنی و احکام حکومتی، از احسان و نیکی با اسرا، تا آزاد کردن آنها بدون فدیة و عوض، چهره نظام بردگی مطلق انسان برای انسان را، بتدریج به سمت نظام عدل و مودت و برابری هدایت می کرد:

۳-۱-۱- احسان با اسیران

خداوند متعال در سوره انسان، آیات هشت و نه فرموده است: وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. إِمَّا تُطْعَمَكُمْ لَوْجِهِ اللَّهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا به پاس دوستی - خدا - بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند. ما برای خشنودی خداست که به شما خوراک می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم.^۱

همچنین رفتار پیامبر با اسیران جنگی، همانند دستورات قرآنی است؛ در نخستین جنگ مسلمانان با مشرکان یعنی جنگ بدر، که حدود هفتاد نفر از کفار به اسارت درآمدند،^۲ با اینکه روش معمول جنگ‌ها، گردن زدن و کشتن اسرا یا بردگی آنان بود، پیامبر شیوه تازه‌ای در مورد اسرا بکار برد، و دستور داد تا بسیاری از آنان که باکراه و اجبار بجنگ آمده بودند را نکشند. دوم اینکه مردم را مخیر ساخت که یا از خود اسیران و یا از کسان آنان

^۱ وجدی، محمد فرید؛ دائرة معارف القرن الرابع عشر العشرين، بیروت.

^۲ واقدی، محمد بن عمر؛ تاریخ جنگ‌های پیامبر، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

فدیه بگیرند و آزادشان کنند، و یا بدون فدیه آزادشان سازند. سوم؛ اسیرانی که خواندن و نوشتن می‌دانستند هر یک در برابر آزادی خویش؛ ده مسلمان را خواندن و نوشتن بیاموزند و آزاد گردند.^۱

مهمتر اینکه پیامبر اسلام در فتح مکه پس از بیست و یک سال شرارت و شکنجه، و جنگ علیه مسلمانان و با آنکه همگی در حکم اسیر جنگی بودند و باید طبق نظام آنروز کشته یا برده می‌شوند، دستور عفو عمومی - جز برای چند نفر- را صادر نمود و همه را آزاد ساخت.^۲

۳-۱-۲- آزاد نمودن اسرا بدون عوض یا در قبال چیزی

خداوند متعال در سوره محمد آیه چهار می‌فرماید: فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْبَتْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا أَلْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ؛ و هنگامی که با کافران (جنایت پیشه) در میدان جنگ رو به رو شدید گردنهایشان را بزنید، و این کار را هم چنان ادامه دهید (تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید در این هنگام اسیران را محکم ببندید سپس یا بر آنان منت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیه بگیرید (و این وضع باید هم چنان ادامه یابد) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، (آری) برنامه این است! و اگر خدا می‌خواست خودش آنها را مجازات می‌کرد ، اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی‌برد.^۳

در این آیه خداوند پس از فرمان اسیر کردن کفار جنگجو، برای رفتار با آنان به آزاد نمودن ایشان بدون عوض یا در قبال چیزی سفارش می‌کند و تفاوتی نمی‌کند که آن فدیه،

^۱ دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۱.

^۲ ابن هشام؛ السیره النبویه، ج ۴ ص ۴۲۶. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۳۸.

^۳ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن؛ المبسوط فی الفقه الإمامیه.

معاوضه با اسیران مسلمان باشد یا گرفتن پول و دارایی، و یا انجام کار و خدمتی مفید که اسیر برای مسلمانان انجام بدهد.

۳-۱-۳- سایر احکام در سنت و فقه

قرآن در مورد اسیران جنگی غیر از سه دستور فوق حکمی ندارد، ولی در سنت و فقه اسلامی، دو حکم دیگر نیز تشریح گردیده است: یکی این که، اگر زنده نگه داشتن اسیران برای مسلمانان خطر آفرین باشد می‌توانند آنها را بکشند، دوم این که می‌توانند آنان را برده بگیرند تا از نزدیک با اسلام و زندگی مسلمانان آشنا شوند. هر چند در نهایت، اختیار با ولی امر مسلمین است؛ اگر مصلحت دانست رایگان آزاد می‌کند و یا فدیة می‌گیرد و رها می‌سازد.^۱

یک راه دیگر هم که از فتاوی‌ای برخی از فقهاء بدست می‌آید؛ اسلام آوردن اسیر است. اگر اسلام اسیر پیش از اسارت باشد شکی نیست که موجب آزادی اسیر می‌باشد ولی اگر در حین اسارت و یا بعد از آن باشد؛ مورد اختلاف است. مرحوم شیخ طوسی می‌گوید: برخی از فقهاء اسلام اسیر را سبب سقوط استرقاق^۲ می‌دانند و اینان به عمل پیامبر در جنگ بدر در رابطه با اسلام عقیل و آزادی او استناد می‌کنند.^۳

مبادله اسیر به صورت پراکنده در اسلام وجود داشت ولی نخستین مبادله منظم و گروهی از اسراء در جنگهای اسلام با روم در زمان حکومت عباسیان و حکمرانی هارون الرشید انجام شد و مبادله دوازدهم نیز در خلافت المطیع بالله، تعداد ۲۴۸۲ مرد و زن مسلمان با اسراء روم مبادله شد. مبادلاتی نیز در موارد دیگر وجود داشته است و طرفین گاهی بخاطر اهمیت اسیران یا کثرت آنان امتیازاتی نیز به همدیگر می‌دادند.^۴

^۱ طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیرالمیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.

^۲ در اصطلاح بمعنای برده گرفتن اسیران جنگی است؛ اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی، جمعی از نویسندگان جلد ۱.

^۳ مجله معارف اسلامی، آزادی و بردگی در اسلام، تهران: مجله معارف اسلامی، ش ۶۳، ۱۳۸۵.

^۴ تاریخ طبری، ج ۱، ابن اثیر، الکامل، ج ۶ و ۷.



۴- دیدگاه فقها و صاحب‌نظران معاصر در مورد برده داری

دستورات قرآنی و اقدامات عملی اسلام در مورد بردگان و اسرای کفار حربی، برنامه ای زمانمند و هدفمند برای برچیدن و لغو نظام گسترده و ریشه دار برده داری را نشان می دهد. همچنین در عصر حاضر اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام، که یکی از مهمترین اسناد مصوب سازمان کنفرانس اسلامی است، در ماده یازده بند الف خود در مورد ممنوعیت برده داری چنین آورده است: انسان آزاد متولد می شود و هیچکس حق ندارد او را به بردگی بکشد یا ذلیل و مقهور خویش نماید یا از او بهره کشی نماید و بندگی جز برای خداوند متعال وجود ندارد. اعلامیه در این ماده بطور واضح ممنوعیت بردگی در اسلام را مورد تأکید قرار می دهد. با این وجود در مورد لغو کامل و عدم تسری آن به دوران بعد از جهاد اولیه مسلمانان، بین برخی از صاحب‌نظران و فقهای شیعه و سنی اختلاف دیدگاه وجود دارد، که خود می تواند محل سواستفاده گروههای تندرو اسلامی چون داعش و بوکو حرام در عصر حاضر قرار گیرد. در پایان به ذکر دیدگاه برخی از این فقها و صاحب‌نظران می پردازیم:

۴-۱- دیدگاه آیت الله مصباح یزدی

ایشان از برده داری مذکور در متون اسلامی دفاع می کنند و آن را اجماعی مطابق حکم عقل معرفی می نمایند و می نویسند: در اسلام چاره ها و تدبیرها اندیشیده شده تا نظام بردگی برچیده شود، ولی این به آن معنا نیست که بردگی مطلقاً در اسلام محکوم است. اگر در جنگ مشروع مسلمان ها بر کفار مسلط بشوند و آن ها را اسیر بگیرند، اسیر کافر در دست مسلمانان پیروز، حکم برده را دارد و احکام بردگی بر او ثابت است . امروز هم اگر چنین جنگی اتفاق بیفتد، حکم همین است. البته بردگی آن روز بر اساس تبعیض نژادی بود . . . به هر حال مسأله بردگی فی الجمله در اسلام پذیرفته شده است و ما از آن دفاع می کنیم.^۱

^۱ کدیو، محسن؛ مسئله برده داری در اسلام معاصر، تهران: تهران کویر، چاپ اول.

۴-۲- دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در توجیه و بیان این نوع برده داری مجاز در اسلام می‌گوید: جنگ بعنوان سبب بردگی در اسلام، به این معناست که وقتی کافر ستیزه‌گر با خدا و پیامبر و مومنین، به اسارت درآید، چنین کافری ممکن است به بردگی گرفته شود.^۱

محمد حسین رخشاد به نقل از علامه طباطبایی می‌نویسد: "از اول خلقت تا کنون، تا جنگی برپا بوده، اسیر جنگی گرفتن وجود داشته و بنای عقلا بر این بوده است و خواهد بود که دشمنی را که می‌خواهد انسان را از بن برکند اسیر نمایند، تا از لحاظ اراده و عمل محدود شده و آزاد نباشد و این همان برده‌گیری بمعنای اسیر گرفتن است که مورد پذیرش اسلام نیز می‌باشد و آن را بر نداشته، و برداشتن آن امکان ندارد."^۲

۴-۳- دیدگاه آیت الله شهید مطهری

شهید مطهری مطهری، در این زمینه می‌گویند: دین اسلام، در مورد بردگی قانونی وضع ننموده تا آن را برای جوامع بشری لازم و ضروری بداند، ولی حکمای قدیم، بردگی را یک ضرورت اجتماعی دانسته‌اند. برنامه‌ای که اسلام در مورد بردگان آورده، برنامه آزادی است نه رقیّت؛ به عبارت برتر، در فقه اسلام، «کتاب الرّق» نداریم، بلکه «کتاب العتق» داریم.

اسلام نگفته نظام بردگی حفظ شود، بلکه درباره چگونگی آزادی و راه‌های رهایی بردگان، برنامه تنظیم فرموده است. در قرآن کریم یک کلمه درباره برده‌گیری و بردگی وجود ندارد، اسلام فقط برده گرفتن را در «دارالحرب» و میدان جنگ تجویز نموده، که آن هم برای مقابله به مثل است؛ یعنی اگر طرف‌های درگیر جنگ، مسلمانی را به بردگی نگرفتند، مسلمانان نیز حق ندارند اسرای آنان را برده خود قرار دهند.^۳

^۱ طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ تفسیر المیزان، موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی ۱۳۸۲.

^۲ رخشاد، محمد حسین؛ در محضر علامه طباطبایی، ناشر: آل علی، ۱۳۸.

^۳ مطهری، مرتضی؛ جهاد، قم: انتشارات اسلامی.



۴-۴- دیدگاه آقای دکتر حسین مهرپور

آقای دکتر حسین مهرپور حقوقدان معاصر، در بحث آزادی از بردگی و در نقد نظر علامه طباطبایی می نویسد: "عدم لغو صریح بردگی در اسلام و بیان مقررات و احکام مربوط به آن، نمی تواند دلیل این امر باشد که از نظر اسلام، نظام بردگی، ولو صورتی از آن، مشروعیت دارد. تجویز برده گرفتن کافر حربی که در جنگ علیه مسلمانان شرکت کرده نیز نمی تواند بمعنای تثبیت برده داری به مفهوم رایج آن زمان باشد. یعنی بملکیت درآمدن شخص اسیر و زن و فرزندانش و سرایت این رقیبت به فرزندان متولد از وی برای همه دوره ها باشد؛ زیرا در هیچیک از آیات قرآنی، بر اینکه اینگونه افراد به این معنا باید برده باشند، تصریح نشده است. از آنها بعنوان اسیر جنگی یاد شده است که مسلمانان می توانند منت بر آنها گذارند و آزادشان نمایند یا با گرفتن فدیة رهایشان کنند یا آنها را نگاه دارند."^۱

۴-۵- دیدگاه سایر فقها و صاحب نظران معاصر

بسیاری از روحانیون مسلمان معاصر نسبت به این پدیده سکوت اختیار نموده و حتی گروهی از ایشان، به صراحت از برده داری دفاع می کنند برای مثال همانطور که آمد، آیت الله محمدتقی مصباح یزدی می گوید: مسئله بردگی فی الجمله در اسلام پذیرفته شده است و ما از آن دفاع می کنیم. متقابلاً گروهی دیگر از روحانیون معاصر مانند آقای سید محمود طالقانی نیز، همچون علامه طباطبایی، تنها طریق معتبر بردگی را اسارت کفار حربی در جهاد می دانند و چنین بردگی را به لحاظ غیبت امام زمان عملاً "متفی می دانند. همچنین دیدگاه آقای میرزا ابو الحسن نیز مانند ایشان است. وی می نویسد: بندگی در شریعت اسلام مجاز است اما منحصر به آنکه در جهاد شرعی از کفار اسیر بگیرند، می شود و در این زمان که امام علیه السلام غایب است، موضوع بندگی فعلاً "متفی است."^۲

^۱ مهرپور، حسین؛ ظام بین الملل حقوق بشر، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۹۴.

^۲ کدیور، محسن؛ مسئله برده داری در اسلام معاصر، تهران: تهران کویر.

آقای دکتر مصطفی محقق داماد در این باره می‌گویند: "احکام امضایی اسلام به دو دسته «مطلوب» و «تحمیلی» تقسیم می‌شوند. احکام تحمیلی نه به دلیل مطلوبیت و پسندیدگی، بلکه به دلیل شیوع عرفی و محذورات اجتماعی در ممنوعیت آنها، مورد تأیید اسلام قرار گرفته‌اند. این دسته احکام مقید به رواج عرفی هستند و اگر در طول زمان متروک شوند، حکم شرع تغییر می‌یابد."^۱ وی معتقد است این‌گونه احکام مصادیق زیادی دارند و برده داری یکی از آنهاست.

به عقیده علامه حلی "اگر افرادی بعد از پایان یافتن عملیات جنگی اسیر شوند، کشتن آنها جایز نیست و امام مخیر است که بر آنان منت گذارد و آزادشان کند یا اینکه بابت آزادی آنان سربها بگیرد و یا این‌که آنها را برده بگیرد."^۲

نتیجه‌گیری

آنچه از مجموع مباحث مربوط به برده داری و برخورد دین اسلام با آن نتیجه می‌شود، را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

از آنجا که دین اسلام در زمانی در میان مردم بادیه نشین عربستان ظهور کرد که مردم آن دیار به برتری و تفاوت نژاد و قبیله و خون اعتقاد کامل داشتند و در سراسر جهان، برده داری امری رایج و یکی از ارکان مهم معیشتی و اقتصادی جوامع محسوب می‌شد، تا آنجا که حتی خود بردگان نیز به این نوع زندگی خو کرده و یا آن را تقدیر خود میدانستند، بنابراین برای حکومت نوپای اسلام که خود با مشکلات و دشمنان زیاد داخل و خارج روبرو بود، قیام برعلیه این فرهنگ کهنه و دیرپا به احکامی زمان مند و ممنوعیتی تدریجی نیازمند بود تا هم جامعه با تغییر و تحول مناسب، آماده پذیرش نوع جدیدی از زندگی که در آن همه از حقوق انسانی یکسان چه در عقیده دینی و گرویدن به یکتاپرستی و چه در معیشت و اقتصاد برابر و

^۱ محقق داماد، سید مصطفی؛ قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵.

^۲ مروارید، علی اصغر، الینایع الفقهیه، جلد ۹.



آزاد بهره مند شوند و هم خود بردگان آمادگی روحی و استقلال مالی و مادی کافی را برای شروع یک زندگی مستقل و بدون حمایت یا چیرگی اربابان خود پیدا کنند .

از این رو برنامه اسلام و صبر و تحملی که در برخورد با این مسئله اجتماعی از خود نشان می داد، بهترین و کم ضررترین راهکار برای ریشه کنی برده داری در آن عصر و نیز روشن کردن اذهان آیندگان در جهت احترام به کرامت انسانها؛ سیاه و سفید ، عرب و عجم و حتی دشمنان و مخالفان اسلام است .

همچنین توجه به این نکته می تواند رافع بسیاری از شبهات باشد و آن اینکه در هیچ کدام از آیات و احادیث در اسلام حکمی مربوط به مجاز بودن بردگی انسان آزاد برای هممنوع او وجود ندارد و تنها موردی که هم اشاره شد یعنی اسرای کفار حربی ، دارای مقررات و دستورات اخلاقی نیکو در جهت رعایت حقوق انسانی آنها و در نهایت آماده سازی مردم برای پذیرش و محوکامل برده داری برای همیشه بوده است .

علاوه بر موارد نام برده که زمینه ممنوعیت کامل برده داری را مهیا میکرد، باید اشاره شود که جهاد در اوایل حکومت اسلام برای دفاع و اشاعه پیام توحید به جهان، و مقابله و پیکار با کسانی که به مقابله با اسلام و مسلمین می پرداختند، رخ می داد، بالطبع می توان گفت ؛ حضور اسرای کفار حربی، دلیل بر پذیرش بردگی و استثمار انسانها از جانب دین اسلام؛ بمعنای متداول و برای همه دورانها، نمی تواند باشد . در پیشگاه خداوند همه یکسانند مگر به تقوی ..

فهرست منابع

- ابوزیدآبادی، عبدالرضا؛ بردگان از جاهلیت تا اسلام، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سوم، ش چهارم، زمستان ۱۳۸۵.
- اصفهانی، راغب، مفردات فی غریبا لقرآن، وابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت: دارالفکر لطباعه والنشر و التوزیع.
- ابن هشام؛ السیره النبویه، ج ۴ .
- ابن اثیر؛ الکامل، ج ۶ و ۷.
- تاریخ طبری، ج ۱.
- دایون پورت، جان؛ عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، سید غلام رضا سعیدی، تهران: دارالتبلیغ اسلامی .
- دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۱.
- دهخدا، علی اکبر؛ فرهنگ لغت دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رخشاد، محمد حسین؛ در محضر علامه طباطبایی، ناشر: آل علی، ۱۳۸۱ .
- شیرازی، ابراهیم بن علی ابواسحاق ش، المهذب فی فقه الامام الشافعی، ج ۲، بیروت ۱۹۵۹.
- طبری، ابن جریر؛ تفسیر طبری، جلد ۹ .
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن؛ المبسوط فی الفقه الإمامیه.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ .
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا؛ حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی، مجله حقوقی بین المللی ایران، ش ۸، ۱۳۶۶.
- عاملی، زین الدین جبعی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ایران: دارالهادی، ج ۶ .
- عبدالله بن احمد؛ المغنی، ج ۹، بیروت ۱۹۸۳.
- کدیو، محسن؛ مسئله برده داری در اسلام معاصر، تهران: تهران کویر، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، حسین استاد ولی، ناشر: دارالتقلین، ۱۳۹۵ .
- گرامی، محمد علی؛ نگاهی به بردگی، ناشر: دفتر آیه الله العظمی گرامی، ۱۳۸۵.
- گوستاولویون، تمدن اسلام و غرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: انتشارات اسلامیة .
- محقق داماد، سید مصطفی؛ قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۵.
- مهرپور، حسین؛ نظام بین الملل حقوق بشر، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۹۴ .
- مجله معارف اسلامی، آزادی و بردگی در اسلام، تهران: مجله معارف اسلامی، ش ۶۳، ۱۳۸۵.
- مهرپور، حسین؛ دیدگاه اسلام در مورد آزادی عقیده و بیان، تهران: نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۷، ۱۳۷۰ .



- منتسکیو؛ روح القوانین، علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۳.
- مروارید، علی اصغر، الینابیع الفقهیه، جلد ۹.
- مطهری، مرتضی؛ جهاد، قم: انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام، ج ۳۴.
- ویلیام گلن، هنری مرتن؛ کتاب مقدس عهدعتیق و عهدجدید، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
- وجدی، محمد فرید؛ دائرة معارف القرن الرابع عشر العشرين، بیروت.
- واقدی، محمد بن عمر؛ تاریخ جنگ‌های پیامبر، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Ira M. Lapidus؛ A History of Islamic Societies، Cambridge University Press، 2014.

Milton Meltzer؛ Slavery: A World History Paperback – August 22, 1993.

<http://www.oxforddictionaries.com>.

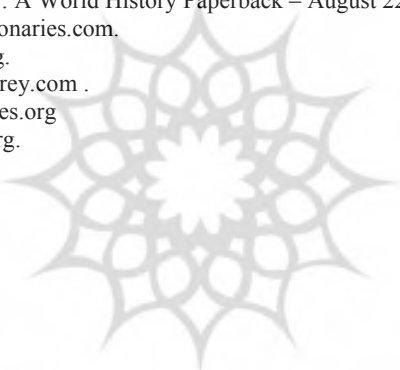
<https://www.oic-oci.org>.

<http://www.brychchancarey.com>.

<http://www.localhistories.org>.

<https://www.al-islam.org>.

<https://www.un.org>.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی